

الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان

مجید مختاری *

علی آدمی **

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران به لحاظ اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص سلطنت عمان علی‌رغم توانمندی‌های بالقوه در سطح بالایی قرار نداشته است. عدم وجود هم‌تکمیلی‌های اقتصادی میان ایران و همسایگان باعث شده است فضای تعامل، تبدیل به رقابت و یا حتی تخاصم گردد. هدر رفت این توان بالقوه برای همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان می‌تواند پرمزبان باشد. وجود همبستگی و همکاری اقتصادی میان دو دولت ایران و عمان، علاوه بر منافع که می‌تواند برای دو طرف داشته باشد، در درازمدت می‌تواند الگوی خوبی برای دیگر همسایگان به جهت گسترش همکاری‌های اقتصادی و به تبع آن سیاسی و امنیتی باشد. این افزایش سطح همکاری‌ها که بر پایه همکاری‌های اقتصادی بنا می‌گردد، در درازمدت می‌تواند نویدبخش منطقه‌ای

* دانشجوی کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای، گرایش خلیج فارس، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: Majid.mokhtari@atu.ac.ir).
** استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲۰/۱۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، صص ۲۰۷-۲۳۲

امن تر و کم تنش تر باشد. ایران و عمان با توجه به نیازهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود می‌بایست روابط خود را به خصوص در بخش اقتصادی ارتقاء دهند و از فرصت‌های توسعه‌ای پیش روی خود در جهت همکاری با یکدیگر بهره برند. این مقاله در نظر دارد تا مهم‌ترین پتانسیل‌های افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی میان ایران و عمان را بازشناسد و کارکرد نظری و عملی افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور را توضیح دهد.

واژه‌های کلیدی: نوکارکردگرایی، ژئواکونومی، هم‌تکمیلی اقتصادی، پویش تسری، خلیج فارس.



روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک، سیاسی و امنیتی دو کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. همسایگی دو کشور در محدوده خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز بخشی از امنیت و اقتصاد دو کشور را به یکدیگر گره زده است. به همین جهت بررسی روابط اقتصادی ایران و عمان به جهت تبیین الگویی برای مناسبات اقتصادی دو کشور که باعث تقویت روابط سیاسی نیز گردد، حائز اهمیت می‌باشد. ایران برای تقویت نفوذ و استفاده حداکثری از توان خود در بعد منطقه‌ای نیازمند اصلاح الگوی روابط اقتصادی خود با کشورهای همسایه است. در حال حاضر، از این توان به میزان کافی استفاده نشده و این موضوع سبب گشته است که اتصالات اقتصادی و اجتماعی کمی میان ایران و کشورهای همسایه وجود داشته باشد.

این مقاله به طور مشخص به میزان و شکل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان می‌پردازد. کاستی‌ها و نیز توانمندی‌های موجود برای تعمیق روابط اقتصادی که در نظریه نوکارکردگرایی نقطه شروع گسترش سطح روابط است، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان علاوه بر سازواری نظری بر روابط دو کشور، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این موضوع را نیز مورد توجه قرار داد.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی می‌توان به تاریخچه روابط دو کشور اشاره نمود که تاثیرگذار بر مسیر همگرایی است. همچنین عوامل تشدیدکننده غیراقتصادی همگرایی که به شکل غیرمستقیم بر این فرآیند تاثیرگذار هستند از جمله ویژگی‌های ژئوپلیتیک، وضعیت خاص سلطنت عمان در شبه‌جزیره عربستان و نیز شرایط اجتماعی و اقتصادی سلطنت عمان از دیگر متغیرهای اساسی بر گسترش روابط دو کشور مورد اشاره قرار می‌گیرند. سوال اصلی مقاله این است که چگونه روابط اقتصادی می‌تواند باعث تقویت سطح روابط میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان شود و اینکه چه

پتانسیل‌هایی برای گسترش روابط میان این دو کشور موجود است. فرضیه این مقاله این است که براساس نظریه نوکارکردگرایی، همکاری‌های اقتصادی در بلندمدت باعث تقویت و گسترش سطح روابط میان دو کشور شده و با ایجاد پیوندهای نهادی اقتصادی و اجتماعی، می‌توان به بالاترین سطح روابط در درازمدت دست یافت. روش انجام این پژوهش بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای است. هدف اصلی این پژوهش ارائه راهکارهایی جهت گسترش روابط با سلطنت عمان و نیز استفاده حداکثری از پتانسیل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران جهت تعمیق و گسترش روابط با عمان است. گسترش روابط از طریق مقولات دارای حساسیت کمتر و به مراتب پرمفعت‌تر برای دو طرف، علاوه بر بهره‌های مادی آن، می‌تواند میزان نفوذ و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در شبه‌جزیره عربستان را نیز افزایش بخشد.

۱. چارچوب نظری

یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌ای شدن بوده است. فرآیند منطقه‌ای شدن پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تقویت و تشدید شده است. به طوری که این نوع روابط درون منطقه‌ای- در اثر شدت یافتن روند جهانی شدن- فراتر از مناطق توسعه‌یافته در مناطق در حال توسعه نیز به صورت یک الگوی متعارف درآمده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). نظریه‌های مختلف منطقه‌گرایی از آغاز فرآیند همگرایی اروپا به عنوان اولین و موفق‌ترین نمونه منطقه‌گرایی، تغییر و تحول یافته‌اند.

در دهه‌های اخیر، مفهوم منطقه و منطقه‌گرایی تا حد زیادی با رویکردهای اقتصادی تحلیل شده است. در این رویکرد، کشورهای مختلف هر قاره، با تغییر قوانین تجاری و وضع ترتیبات نوین اقتصادی و سیاسی، نوعی محدوده اقتصادی ویژه ایجاد کرده و نام سازمان و بعضاً منطقه را بر آن نهاده‌اند. این گروه‌بندی‌های اقتصادی، که در قاره‌های پنج‌گانه جهان وجود دارد، تا حد زیادی فاقد همگونی‌های جغرافیایی به ویژه جغرافیای انسانی است. هاگت جغرافیدان برجسته می‌نویسد که به لحاظ سیاسی یک منطقه ساختاری فضایی است که در فرآیند ائتلاف و اتحاد کشورها و در قالب سازمان منطقه‌ای تجلی می‌یابد. این مناطق با اتحاد گروهی از کشورها معمولاً با اهداف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی

شکل می‌گیرند که برخی از آنها به لحاظ جغرافیایی پیوستگی داشته و برخی نیز ناپیوسته و جهانی‌اند (هاگت، ۱۳۷۵: ۴۱۶).

نظریه پردازان نوکارکردگرایی استدلال می‌کنند که هماهنگی و همکاری کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مشترک، با منطق نوکارکردگرایی بدان‌گونه که توسط ارنست هاس، لیون لنیندبرگ، اشمیتز و نای پردازش شده است، انطباق و سازگاری کامل دارد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

ارنست هاس با کنارگذاشتن بعد هنجاری نظریه کارکردگرا و افزودن یک بعد فایده‌گرایانه^۱ به آن که بر اهمیت منافع و سود حاصله از تعاملات، تصمیمات و ... تاکید دارد، نوکارکردگرایی را به عنوان نظریه‌ای حول محور مطالعات تجربی درباره وحدت اروپا مطرح نمود. فرآیند همگرایی در حوزه سیاست ملایم آغاز می‌شود و همکاری کاکردی را پیش می‌برد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۶۲).

در ابتدا نوکارکردگرایی استدلال می‌نماید که زمانی که کشورها قبول به همکاری در یک حوزه معین می‌نمایند، این همکاری باعث ایجاد فعالیت و همکاری در حوزه‌های مشابه می‌گردد. سپس نوکارکردگرایی اعلام می‌دارد که همگرایی اقتصادی تقریباً همیشه منجر به افزایش تعامل میان بازیگران در یک منطقه همگرا می‌گردد. سوم اینکه، بدنه فراملی به دنبال افزایش سطح همگرایی رفته و استراتژی‌هایی را اتخاذ می‌نماید که منجر به عمیق‌تر شدن همگرایی در حوزه‌هایی می‌شود که تاکنون مورد توجه بوده‌اند و سپس به دیگر حوزه‌ها نیز بسط پیدا می‌کند. دلیل انجام این کار، افزایش سطح سود و منفعت در حوزه منطقه‌ای خواهد بود (Rosamond, 2000).

۱-۱. پویش‌های تسری^۲

مفروضه بنیادی و محوری نوکارکردگرایی، مفهوم تسری است که از طریق آن، حرکت‌ها و اقدامات اولیه در جهت همگرایی اقتصادی سازوکارهای درون‌زاد اقتصادی و سیاسی را باعث می‌شود که به نوبه خود همگرایی بیشتر در حوزه‌های موضوعی مرتبط برمی‌انگیزد. نوکارکردگرایی استدلال می‌کند که همگرایی از بخش‌های اقتصادی به مسایل

1. utilitarian

2. Spill-over

و عرصه‌های سیاست همانند سیاست خارجی و امنیتی مشترک نیز سرایت می‌کند. مدل نوکار کردگرا بر نقش سیاسی شدن و بسط و توسعه کارکردی از حوزه‌های متجانس و مشابه به بخش‌ها و موضوعات دیگر به منظور تامین و حفظ دستاوردها پیشین تاکید می‌کند. بر این اساس، در بافت و بستر سیاسی، منطق تسری و سیاسی‌شدن حاکی از آن است که اقدامات هم‌گرایانه در یک حوزه موضوعی دارای حساسیت اندک در سیاست سلفی باعث جرقه‌زدن و شروع همگرایی بیشتر در بخش‌های مرتبط سیاسی می‌شود؛ به گونه‌ای که این فرآیند به طور فزاینده‌ای به موضوعات و مسائل سیاست والا با درجه اهمیت و حساسیت بالا می‌رسد و موضوعات سیاست خارجی و امنیت ملی را نیز دربر می‌گیرد. فرض نوکار کردگرایی بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی در جهان صنعتی پیشرفته به هم وابسته‌اند. در نتیجه هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگری می‌شود و همگرایی از بخشی به بخش دیگر سرایت می‌کند و این روند ادامه می‌یابد. این را ارنست هاس همگرایی بخشی^۱ می‌نامد. مثلاً اگر در حوزه زغال و فولاد اقداماتی برای همکاری و همگرایی صورت گیرد، به تدریج به بخش‌های دیگر مثل صنایع خودروسازی و ... هم بسط پیدا می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۶۳).

پویش‌های تسری در دو بخش صورت می‌گیرد:

۱. توسعه: توسعه به معنای گسترش بخشی در روند همگرایی است؛ بدین معنا که روند همگرایی از بخشی به بخش دیگر و حوزه‌ای دیگر می‌انجامد. همانند گسترش از حوزه حمل و نقل به حوزه خدمات و یا گسترش از حوزه گمرکی به حوزه حمل و نقل.
۲. تعمیق: تعمیق نیز به معنای گسترش درون بخشی است؛ بدین معنا که همگرایی در یک بخش باعث گسترش همگرایی در زیرمجموعه‌های همان بخش می‌شود. همانند گسترش از حوزه گمرکی به دیگر بخش‌های مرتبط با این حوزه همچون بانکی، بازارچه‌های مرزی و ... (Sweet, 1997: 299).

۱-۲. برون‌گرایی

دومین مفروضه مورد تاکید در نوکار کردگرایی که می‌توان بر اساس آن شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیتی مشترک را توضیح داد، برون‌گرایی است. این مفروضه بیان

می‌دارد که بازیگران حکومتی منطقه‌ای در اثر اتخاذ و اجرای تصمیمات هم‌گرایانه مجبور می‌شوند در واکنش به فشارهای کشورهای کنش‌گران متأثر بر آنها، سیاست‌ها و مواضع مشترکی را در قبال آنان در پیش بگیرند. بنابراین، مفروضه برون‌گرایی تلاشی نظری برای تبیین و توضیح سیاست خارجی و امنیتی بر پایه اصول و مفروضه‌های نوکارکردگرایی است. طبق این مفهوم، همبستگی مثبتی بین همگرایی اقتصادی و ظهور و شکل‌گیری یک سیاست خارجی مشترک وجود دارد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). از این منظر سیاست خارجی و امنیتی مشترک از پویای درونی و فعالیت‌های اقتصادی نشأت می‌گیرد و تأثیرات آن بر کشورهای دیگر عکس‌العمل‌هایی را برمی‌انگیزد. از این‌رو واکنش‌های تلافی‌جویانه کشورهای که در معرض این همکاری‌ها و یا تحت تأثیر آن قرار دارند، امری حتمی است.

برون‌گرایی و توجه به آن در حوزه روابط ایران و عمان بسیار کلیدی است. گسترش روابط ایران و عمان بدون شک باعث واکنش کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس خواهد شد؛ چرا که این کشورها همگی تحت لوای یک سازمان به نام شورای همکاری خلیج فارس عمل می‌نمایند و در قبال ایران و اقدامات ایران معمولاً سیاست مشترکی را پیگیری می‌نمایند. از این‌رو از طرفی با اقدامات هزینه‌زا سعی در دور کردن عمان از ایران خواهند کرد و از طرف دیگر، با معرفی آلت‌ناتیوهای جهت کم‌رنگ کردن تأثیر روابط ایران و عمان، سعی در جذب عمان به سوی خود خواهند داشت. از این‌رو برون‌گرایی مولفه‌ای خواهد بود که در این بخش بسیار باید مورد توجه قرار گیرد. از طرفی دیگر، با توجه به حرکت شورای همکاری خلیج فارس به سمت تشکیل اتحادیه و اعلام عمان به خروج از این شورا در صورت تشکیل هرگونه اتحادیه که بسیار مورد نظر عربستان سعودی و بحرین است، ایران می‌تواند فشار بسیار کمتری را از این جانب در رابطه با عمان داشته باشد، چرا که سیاست خارجی عمان در صورت خروج از این شورا و اتحادیه مذکور مستقل‌تر خواهد بود.

۳-۱. فرآیند یادگیری^۱

نوکارکردگرایی اهمیت بسزایی برای نقش تسری ترویجی و پیوند عمده و ارادی وظایف، تعدیل منافع ملی اعضاء و ارتقاء منافع مشترک آنان به وسیله نهادهای فراملی

1. learning

دارد. نهادهای فراملی از طریق فرآیند یادگیری قادرند به ادراکات و برداشت‌های کشورهای عضو یک اتحاد از مسائل و مشکلات سیاسی-امنیتی که با آن روبرو هستند، شکل دهند و دغدغه‌های این کشورها را به یکدیگر نزدیک نموده و آنها را قانع به نزدیک‌سازی سیاست خارجی و نیز اقدامات اجرایی جهت حل بحران‌های مشترک پیش‌رو نمایند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۶۳).

فرآیند یادگیری زمانی بیشترین تاثیرگذاری و میزان اهمیت را خواهد یافت که همکاری‌های اقتصادی تنها در بخش دولتی صورت نگیرد. بخش خصوصی قدرتمند در این حوزه می‌تواند باعث شود تا دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی توأمان و در کنار یکدیگر باعث ایجاد فشار به دولت‌ها جهت همکاری‌های بیشتر گردد. از طرفی دیگر، دولت‌ها علاوه بر روابط خود موظف خواهند شد، در روابط با یکدیگر روابط اجتماعی میان دو کشور را نیز ملحوظ دارند. از این رو ورود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این فرآیند، باعث می‌شود که قوام این روابط دوچندان گشته و عامل اتصال قدرتمند شود. این موضوع اقدامات هزینه‌زای سیاسی طرف‌های مقابل را کم‌رنگ می‌کند، چرا که جامعه میل به افزایش ارتباط دو طرف خواهد داشت.

سوییت و ساندهولتز نیز که پس از هاس و دیگران سعی در بروزرسانی نظریه نوکارکردگرایی داشتند نیز، چهار مولفه اساسی را جهت تقویت نوکارکردگرایی ارائه داده‌اند:

- تاکید بر جنبه تاثیر مثبت پویش‌های تسری؛ چرا که پویش‌های تسری می‌تواند جنبه‌های منفی را نیز شامل گردد که باید از آنان اجتناب ورزید.
- افزایش تعداد مبادلات و تعاملات
- تغییر و جابجایی در وفاداری‌های داخلی
- خودکاری تکنوکراتیک (Sweet and Sandholtz: 1997).

۲. بررسی مختصر روندهای تاریخی روابط ایران و عمان در حوزه سیاسی-امنیتی

در طول چهار دهه اخیر، سلطنت عمان سیاست خارجی منحصر بفردی که شاخصه‌هایی همچون استقلال، عمل‌گرایی و اعتدال را شامل می‌گردد، به کار گرفته است. این سیاست از جولای ۱۹۷۰ پس از کودتای سلطان قابوس و به دست‌گیری قدرت توسط او آغاز شد. او به سرعت به سمت توسعه اقتصادی عمان با توجه به منابع محدود

نفتی و انرژی این کشور که البته بسیار ارزشمند نیز بود، رفت. همچنین وی دست به اقداماتی اصلاحی در حوزه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش، سیاسی و سیاست خارجی و فرهنگی زد که به رنسانس عمان شهرت یافته‌اند (Lefebvre, 2010). جمهوری اسلامی ایران نیز همواره سعی داشته است تا روابط خود با این کشور را در سطح بالایی نگه دارد. سابقه همکاری‌های امنیتی دو کشور نیز تاثیر شایانی بر این روابط به خصوص در دوران بحران دولت مرکزی با شورشیان ظفار دارد که در طی آن دولت عمان با همکاری ایران موفق به سرکوب این جنبش شد. ایران در این بحران علاوه بر همکاری نظامی، در زمینه دیپلماتیک و سیاسی نیز فعالیت‌های چشم‌گیری جهت توقف ارسال کمک به شورشیان ظفار نمود.

از میان کشورهای خلیج فارس نیز عمان نزدیک‌ترین روابط سیاسی را با ایران دارد. عمان نگرانی همیشگی نسبت به موضع وهابیت رادیکال عربستان علیه خود و گسترش آن به عمان دارد؛ از این رو ایران را به عنوان یک موازنه‌گر منطقه‌ای برای کنترل عربستان قلمداد می‌کند. از طرفی دیگر، عمان به دلیل جمعیت بسیار کم شیعیان خود و نقش بسیار پررنگ مذهب اباضی در این کشور، از بابت رویارویی مذهبی با ایران خطری را احساس نمی‌کند. همچنین، سلطان قابوس علی‌رغم روابط گرم با ایالات متحده، توانسته است روابط خود با ایران را نیز حفظ کند و نیز گسترش بخشد (Katzman, 2013). سیاست خارجی عمان را می‌توان دارای چند ویژگی و مولفه خاص دانست که عبارتند از: گرایش پایدار به ملاحظات ژئوپلیتیکی در عین اولویت‌بخشی به حفظ روابط خوب با ایران؛ پرهیز از ورود به تقسیم‌بندی‌های ایدئولوژیک (به جهت ویژگی‌های خاص مذهبی عمان)؛ تلاش جهت ایجاد اجماع و همکاری در موضوعات مختلف؛ تاکید بر تسامح و تحمل جهت رسومات و اعمال و رفتار نیروهای خارجی در منطقه (Jones and Rideout, 2012).

برخی از متخصصین اذعان دارند که روابط ایران و عمان توانایی پایین آوردن و کمرنگ کردن اتحاد نظامی شورای همکاری خلیج فارس را داراست. این اتحاد نظامی در عمل تنها جهت موازنه‌سازی با جمهوری اسلامی ایران در جنوب خلیج فارس ایجاد شده و مبنای آن توهم توطئه‌ای همیشگی است که کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده نسبت به ایران دارند. امضاء قرارداد همکاری امنیتی این کشور در سال ۲۰۱۰ با ایران، باعث تعهد این کشور به برگزاری رزمایش نظامی با ایران شده است. این

موضوع باعث ایجاد مخالفت شدید دیگر کشورهای جنوبی خلیج فارس شده است، اما وزیر امور خارجه عمان، یوسف بن علوی تاکید کرده که این قرارداد هیچ چیز جدیدی نسبت به روابط عمان و ایران در گذشته نداشته است. عمان در کنار این موضوع روابط حسنه خود با ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس را حفظ خواهد نمود و در رزمایش‌های مشترک با این کشورها حول محوریت سپر جزیره شرکت خواهد کرد و به تعهدات امنیتی خود به این کشورها پایبند خواهد ماند (Wagner and Caferio, 2013).

در بازه‌های زمانی مختلف نیز عمان تلاش نموده است که خط ارتباطی میان ایران و ایالات متحده باشد که اداره کردن این موضوع چالشی برای این دولت بوده است. برای مثال در آوریل ۱۹۸۰، همزمان با امضاء توافقنامه اجازه به ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌های هوایی عمان، نیروی هوایی این کشور جهت نجات جان افراد دستگیر شده سفارتخانه خود در ۱۹۷۹ در ایران از پایگاه‌های عمان بدون اجازه و اطلاع این کشور استفاده نمود. عمان نیز اعتراض خود به جهت عدم اطلاع‌رسانی قبلی این کشور را اعلام نمود (CRS, 2003). همچنین، این کشور در زمان جنگ تحمیلی مواضع مثبتی را در قبال ایران در شورای همکاری خلیج فارس منظور کرد و در اصلاح و تعدیل‌سازی بسیاری از بیانیه‌های این شورا نقش مهمی ایفا کرد و از طرفداران آتش‌بس و صلح میان ایران و عراق بود (کتاب سبز عمان، ۱۳۸۹). نقش عمان در از سرگیری مذاکرات ایران و ایالات متحده جهت دستیابی به توافق هسته‌ای برجام که با مخالفت همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس صورت گرفت، نشان دیگری از استقلال سیاست خارجی عمان و رابطه نزدیک این کشور با جمهوری اسلامی ایران است. همچنین عمان اعلام داشته است در صورت تغییر ماهیت شورای همکاری خلیج فارس به اتحادیه که به شدت از طریق عربستان سعودی پیگیری می‌گردد، از آن خارج می‌گردد که از آن اصطلاحاً «عُزَیْت» یاد می‌کنند (Caferio and Yefet, 2016).

بر پایه این رویکرد مثبت درازمدت همکاری و همیاری و نیز ویژگی‌های خاص داخلی سیاست سلطنت عمان، اهمیت ائتلاف و اتحاد با این کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس با ایران اهمیت بسزایی دارد. این مقاله بر آن است تا با بررسی ویژگی‌های توانش اقتصادی دو طرف، به چگونگی ارتقای سطح روابط ایران با کشور عمان بپردازد و الگویی برای ارتقاء سطح این روابط بر اساس نظریه نوکار کردگرایی ارائه دهد. به همین جهت اهم

مطالب این مقاله حول محور موضوعات اقتصادی و ارائه راهکارهایی جهت بهبود مناسبات اقتصادی میان دو کشور خواهد بود. استفاده از شاخص‌های تبادلات اقتصادی در حوزه صادرات و واردات و صادرات مجدد جهت تعیین میزان روابط اقتصادی دو کشور منظور گشته است. همچنین جهت آسیب‌شناسی مسائل و موضوعات پیرامون روابط اقتصادی دو کشور، نوع کالاهای وارداتی و صادراتی نیز مشخص شده است. علاوه بر این، جهت نشان دادن نیاز عمان به همکاری اقتصادی با ایران، نمودارهای نیروی کار عمان و نیز علت نیاز این کشور به بازار ایران، نیز ذکر شده است. اطلاعاتی در باب سواحل مکران و توان توسعه‌ای این سواحل به جهت گسترش روابط اقتصادی با عمان نیز از دیگر بخش‌های این مقاله است؛ چرا که توان ژئواکونومیک بسیار بالای این منطقه می‌تواند در توسعه روابط اقتصادی دو کشور بسیار تاثیرگذار واقع گردد. به شکل عام، ژئواکونومی به معنای تاثیر داده‌های جغرافیایی بر داده‌های اقتصادی است. هم‌اکنون منطقه خاورمیانه یک منطقه ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی است که در تحولات آتی جهان نیز نقش محوری خود را به عنوان کانون استراتژیک جهان و هارتلند جدید جهان حفظ خواهد نمود. از نظریه پردازان ژئواکونومی می‌توان به ادوارد لاتواک و ژان شرایبر نام برد که اعتقاد دارند هر قدرتی که بر حوزه خلیج فارس تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱). ایران در سطح ژئواکونومی از ۴ پارامتر تعیین کننده برخوردار است که این چهار پارامتر به شرح زیر هستند:

۱. نقش بی بدیل این کشور در پیوند میان شرق و غرب و شمال و جنوب در نیمکره شمالی
 ۲. حضور در مرکز ثقل انرژی جهان
 ۳. دارا بودن منابع آبی بالا به نسبت دیگر کشورهای خاورمیانه
 ۴. نبود جایگزین ژئواستراتژیک برای ایران در معادلات بین‌المللی (مینایی، ۱۳۸۴).
- این چهار ویژگی باعث شده تا مبادلات تجاری برای هر کشوری با ایران سودآور و در بازه‌های بلندمدت دارای منطبق باشد. عمان نیز با توجه به حضور در مثلث طلایی تجارت جهانی و نیز تنگه هرمز و توان تولید انرژی خود در زمینه ژئواکونومیک، توانمند بوده و به عنوان مثال بندر صحار این کشور از جمله بنادر قدرتمند و توان تولیدی بسیار بالا در کنار منطقه آزاد صحار می‌باشد.

نوکار کردگرایان معتقدند سیاست در محیط خلا اتفاق نمی‌افتد؛ از این رو آنچه برای

شروع همکاری‌ها اهمیت می‌یابد، سابقه تاریخی مشترک همکاری‌ها و تعاملات میان دو کشور است. این مولفه تحت عنوان اهمیت پیامدهای ناخواسته و غیرارادی تصمیمات و سیاسی و امنیتی پیشین مورد نظر قرار گرفته شده است. به همین خاطر، اولین قدم جهت بررسی چشم‌انداز روابط ایران و عمان و جنبه کارکردی بخشیدن به موضوع مورد مطالعه، شناختی اجمالی در باب تصمیمات پیشین این دو کشور در رابطه با یکدیگر است. اهم اتفاقات سیاسی امنیتی میان دو کشور شامل موارد زیر است:

- همکاری‌های نظامی، سیاسی و دیپلماتیک ایران و عمان جهت سرکوب جنبش ظفار
- عدم همراهی عمان در تصویب قطعنامه‌های ضدایرانی شورای همکاری خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی
- ازسرگیری همکاری‌های امنیتی و اقتصادی ایران و عمان پس از جنگ تحمیلی
- امضاء قرارداد تحدید مرزهای دریایی و فلات قاره میان ایران و عمان
- میانجی‌گری عمان در پرونده هسته‌ای ایران جهت برقراری مذاکرات
- تلاش بی‌وقفه جهت تنش‌زدایی میان ایران و عربستان حتی پس از فاجعه منا

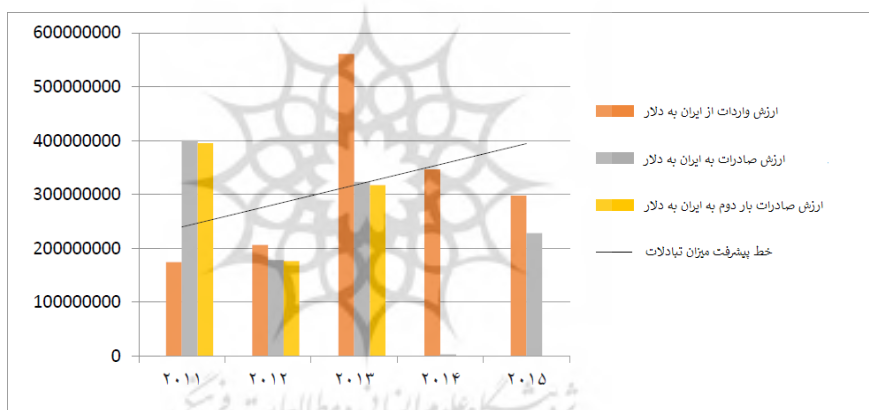
۳. وضعیت اقتصادی عمان

عمان در میان کشورهای خلیج فارس به لحاظ اقتصادی متوسط است و مانند سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس به صادرات نفت خام وابسته است. در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه، به دلیل ویژگی‌های ژئولوژیک، هزینه تولید نفت در این کشور بسیار بالاست. میزان تولید ناخالص داخلی عمان در سال ۲۰۰۹ حدود ۶۲/۵۵ میلیارد دلار بوده و سرعت رشد این شاخص در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲/۴ درصد بوده است. متوسط درآمد سرانه مردم عمان به واسطه افزایش جهانی بهای نفت، افزایش یافته و از ۷۴۸۱ دلار در سال ۱۹۹۸ به ۲۵۶۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. برآورد شده است که نرخ تورم اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۰ حدود ۲/۳ درصد بوده است. نفت، گاز طبیعی، آهن و مس، از منابع معدنی عمان هستند، ضمن آن که صنایعی در زمینه تولید منسوجات، سیمان، صنایع دستی و کبریت‌سازی در این کشور فعال‌اند. ژاپن، چین، تایلند، کره جنوبی، ایالات متحده، امارات عربی متحده، انگلیس و آلمان از مهم‌ترین شرکای تجاری عمان هستند (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۱-۳. همکاری‌های اقتصادی در بازه پنج‌ساله

همکاری‌های اقتصادی دو کشور همراه با افت و خیزهایی بوده که نشأت گرفته از شرایط تحریمی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر و نیز عدم برنامه‌ریزی و نبود نقشه راه برای توسعه روابط بوده است. از طرفی نبود داده‌های اقتصادی کافی داخلی در دسترس پژوهشگران نیز خود عاملی است که از ایجاد یک نقشه راه علمی وابسته به توانش دو طرف برای گسترش روابط جلوگیری به عمل می‌آورد.

این نمودار نشان‌دهنده میزان روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشور عمان در بازه پنج‌ساله تحریم‌ها و نیز پس‌برجام است. طبق این نمودار، روند صادرات جمهوری اسلامی ایران به عمان روندی افزایشی بوده، اما فراز و نشیب این روابط بسیار بالاست و از روندی منطقی و روبه افزایش برخوردار نیست. عدم وجود نقشه راه و برنامه‌ریزی جهت



سرمایه‌گذاری‌های مشترک باعث شده سیر تبادلات دو کشور فاقد روندی منطقی باشد. به بیانی دیگر، می‌توان چنین گفت که دوران تحریم‌ها سکت‌های در روند تبادلات اقتصادی دو کشور بوده، اما پس از به نتیجه رسیدن برجام، این روند حالت صعودی به خود گرفته است.

۲-۳. مهم‌ترین اسناد امضاء شده میان دو کشور در حوزه تجارت و اقتصاد

۱. موافقت‌نامه تجارت دریایی سال ۱۳۸۱

۲. موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری سال ۱۳۸۱

۳. یادداشت تفاهم صندوق ضمانت صادرات ایران و صندوق ضمانت اعتبار صادراتی عمان ۱۳۸۱

۴. موافقت‌نامه بازرگانی بین دو کشور سال ۱۳۸۲
۵. یادداشت تفاهم همکاری‌های گردشگری سال ۱۳۸۳
۶. موافقت‌نامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف سال ۱۳۸۳
۷. یادداشت‌تفاهم همکاری بین اتاق‌های بازرگانی دو کشور در حاشیه اجلاس نهم سال ۱۳۸۳
۸. امضاء موافقت‌نامه استاندارد بین دو کشور در سال ۱۳۸۸
۹. امضاء موافقت‌نامه پنج‌جانبه ترانزیت میان عمان، ایران، قطر، ترکمنستان و ازبکستان (کشور قطر از موافقت‌نامه مزبور خارج شده است).

۳-۳. مهم‌ترین اقدامات به عمل آمده در چارچوب روابط دوجانبه اقتصادی

۱. تشکیل شورای بازرگانان ایران و عمان در راستای توسعه همکاری‌های تجاری میان بخش‌های خصوصی دو کشور
۲. افتتاح دفتر همکاری‌های اقتصادی عمان در شهر بندرعباس
۳. حضور شرکت‌های ایرانی در مناقصات کشور عمان
۴. اعزام رایزن بازرگانی جمهوری اسلامی ایران به عمان
۵. برگزاری نمایشگاه اختصاصی دو کشور در تهران و مسقط
۶. تشکیل کمیته پیگیری اجرای مفاد یادداشت‌تفاهم به صورت دوره‌ای در هر یک از دو کشور

۳-۴. مسائل و مشکلات پیرامون فعالیت‌های اقتصادی دو کشور

۱. قاچاق کالا از بندر خصب به مقصد جمهوری اسلامی ایران
۲. عدم وجود خط مستقیم کشتیرانی میان دو کشور
۳. سطح پایین آمار مبادلات تجاری دو کشور با توجه به فرصت‌ها و توانش دو کشور
۴. عدم بهره‌برداری مناسب از موقعیت استراتژیکی دو کشور در زمینه ترانزیت کالا
۵. اطلاعات محدود و ناکافی از فرصت‌ها و شرایط اقتصادی بازار عمان برای بخش‌های خصوصی و دولتی

۴. بررسی و تحلیل شاخصه‌های تبادلات اقتصادی

مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به عمان در سال ۱۳۹۲

نوع کالا	ارزش: هزار دلار
محصولات آهن و فولاد غیر ممزوج تحت و گرم نورد شده	۷۸۱۰۴
قیر نفت	۳۳۳۸۹
شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج	۸۸۳۰
محصولات آهنی اسفنجی	۷۶۸۷
سنگ مس و کنسانتره‌های آن	۳۸۲۸
فرش دستباف	۱۸۹۳
فرآورده‌ها برای تغذیه کودکان	۱۸۲۷
گل کلم و کلم بروکلی	۸۱۳
سایر شیر خشک‌های صنعتی	۷۱۹

نمودار شماره ۲: منبع اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران

مهم‌ترین اقلام وارداتی جمهوری اسلامی ایران از عمان

نوع کالا	ارزش: هزار دلار
سایر روغن‌های سبک و فرآورده‌ها	۳۶۳۳۰
سایر قطعات گوشت بی‌استخوان گاو (یخ‌زده)	۶۲۸۳
سایر مکمل‌های دارویی	۳۱۶۸
بازدارنده‌های اکسیداسیون و رسوبات	۲۹۸۳
روغن پالم	۲۹۲۹
گیرنده‌های رادیویی برای وسایل نقلیه موتوری	۲۲۱۳
وسایل نقلیه موتوری از ۱۵۰۰ تا ۲۴۰۰ سی سی	۱۵۷۹

۱۳۸۳	اجزا و قطعات شیرآلات چدنی و فولادی
۱۲۳۷	سایر وسایل نقلیه موتوری غیرمذکور
۱۱۳۷	اجزا و قطعات کوره و تنورهای صنعتی و آزمایشگاهی

نمودار شماره ۳: منبع اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران

نمودارهای شماره ۲ و ۳ بیانگر یک ضعف اساسی در رابطه اقتصادی ایران و عمان هستند. جای خالی صادرات صنعتی در میان اقلام وارداتی بسیار محسوس است. جمهوری اسلامی ایران کشوری با تنوع تولیدی بالاست و تولیدکننده انواع محصولات صنعتی با قابلیت صادراتی است و نبود این اقلام صنعتی در میان اقلام صادراتی نشان‌دهنده ضعف عمل‌کردی در حوزه بازاریابی برای محصولات ایران در عمان است. عمان خود نیز از واردکنندگان نوع دوم محصولات خارجی است و با توجه به عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این کشور جهت موازنه‌سازی تجاری با امارات عربی متحده استفاده نماید که از حجم بالای تجارت خود به عنوان اهرمی جهت تحت فشار قرار دادن ایران استفاده می‌کند.

در اینجا نکته‌ای دیگر نیز قابل ذکر و توجه است. با نگاهی به اقلام وارداتی عمان در نمودار شماره ۴ از سراسر جهان در همان سال می‌توان دریافت که ایران خود تولیدکننده بسیاری از این اقلام با قیمت مناسب جهت صادرات و قابلیت عرضه رقابتی است. بازاریابی ضعیف و نبود اراده کافی جهت گسترش همه‌جانبه ابعاد اقتصادی رابطه به عمان، باعث شده این فرصت طلایی در طی این سالها از دست برود. طبق نظریه نوکارکردگرایی ابعاد مختلف حیات اقتصادی در جهان صنعتی و پیشرفته به هم وابسته اند. در نتیجه هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌باشد که هاس آن را همگرایی بخشی می‌نامد (Haas: 1961).

مهم‌ترین اقلام وارداتی عمان از جهان در سال ۲۰۱۳

ارزش: میلیون دلار	نوع کالا
۴۷۶۱	وسایل نقلیه موتوری (غیر از نوع ریلی)
۳۳۱۸	ماشین‌آلات، دیگ‌های بخار، راکتورهای هسته‌ای

۲۶۲۹	سوختهای معدنی
۱۷۳۱	تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی
۱۱۱۴	محصولات از آهن و فولاد
۹۰۹	آهن و فولاد
۶۲۲	پلاستیک و متفرعات آن
۵۷۱	سنگ فلز، جوش و خاکستر
۵۰۵	مواد شیمیایی آلی

نمودار ۴: منبع اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران

۵. شرایط خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک؛ بسترساز همکاری‌های اقتصادی

ویژگی‌های ژئواکونومیک ایران و عمان هرگونه همکاری میان دو کشور را توجیه می‌نماید. شاخصه‌هایی همچون مرز آبی مشترک، قرار گرفتن در فضای مناسب اقتصاد جهانی، دسترسی‌های بکر دو کشور برای یکدیگر، و شرایط خاص اقتصادی و امنیتی تنگه هرمز که لزوم همکاری‌های دو کشور را باعث می‌شود، مهم‌ترین عواملی هستند که رابطه اقتصادی و امنیتی دو کشور را توجیه‌پذیر می‌نمایند. بسترسازی همکاری‌ها بر پایه این مولفه‌ها، می‌تواند مسیر روشن و امیدوارکننده‌ای را جهت توسعه روابط فی‌مابین پیش رو قرار دهد.

۵-۱. شرایط خاص اقتصادی-امنیتی تنگه هرمز و اقیانوس هند

ایران و عمان در تنگه هرمز مرز آبی مشترکی با یکدیگر دارند و فاصله دو کشور در این نقطه به ۳۷ کیلومتر می‌رسد. اهمیت ژئوپلیتیک تنگه هرمز باعث شده تا دو کشور از دیرباز همکاری‌های امنیتی برای حفظ امنیت حمل و نقل دریایی از این تنگه داشته باشند. از طرفی محل تلاقی ایران و عمان در اقیانوس هند و پس از مدار ده درجه را اصطلاحاً مثلث طلایی تجارت جهانی می‌نامند. این مثلث، در حقیقت شاهراهی است که بیش از سی درصد از سهم اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است و حدفاصل سه تنگه تجاری مالاکائو، هرمز و باب‌المندب است و در پایان با عبور از کانال سوئز راه خود را

به بازارهای اروپایی می‌رساند. از این رو، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی ایران و عمان در این منطقه، یک فرصت بسیار مناسب اقتصادی و امنیت اقتصادی را برای دو کشور فراهم می‌نماید. همچنین بیش از سی درصد حجم انرژی جهان روزانه از تنگه هرمز روانه خود را به سوی بازارهای جهانی طی می‌کند که بخش اعظمی از آن با عبور از مرزهای آبی ایران و عمان به سمت مقصد حرکت می‌کنند، به همین خاطر باید دوطرف در هماهنگی کامل با یکدیگر جهت کنترل رفت و آمدهای انرژی منطقه باشند.

۲-۵. فضای اقتصادی منحصر به فرد راس‌المسندم و سواحل مکران

راس‌المسندم تکه‌ای دورافتاده از سرزمین اصلی عمان است. این منطقه هیچ راه ارتباط زمینی با عمان ندارد. از طرفی عمان بسیار نگران نگاه توسعه‌طلبانه امارات عربی متحده نسبت به این منطقه است. از این رو از همان ابتدای به سلطنت رسیدن سلطان قابوس کمیته‌ای به نام کمیته بازسازی مسندم ایجاد گشت. ساکنان این منطقه را اغلب قبیله شیحو تشکیل می‌دهند که بخش بزرگی از آنان نیز در بخش اماراتی مسندم مستقر هستند و امارات سعی دارد مردم این منطقه عمان‌نشین را نیز به سمت خود جلب نماید. این منطقه با دارابودن بنادر مجهز و نیز نزدیکی فراوان به ایران، می‌تواند فرصت مناسبی برای توسعه پایدار دو طرف باشد. همچنین سواحل مکران در قسمت شمالی دریای عمان بسیار روابط اقتصادی نزدیکی با این کشور و این منطقه داراست که با برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند نمودن صادرات و واردات منطقه می‌توان هم از چالش‌های قاچاق جلوگیری نمود و هم توان اقتصادی مردم دو منطقه را تقویت نمود.

۳-۵. دسترسی فرهنگی و ارتباطی بسیار عالی بندر صلاله با بازار بکر شرق آفریقا

شرق آفریقا از دیرباز جزء قلمرو حاکمان مسقط محسوب می‌شده و به همین خاطر روابط اقتصادی و فرهنگی مناسبی میان سلطنت عمان و این کشورها وجود دارد. پس از مرگ سعید بن سلطان در سال ۱۸۶۱ بین دو پسر وی بر سر جانشینی پدرشان اختلاف درگرفت و قلمرو حکومتی این کشور با دخالت و میانجی‌گری استعمار انگلستان به دو قسمت تقسیم شد و سرزمین مسقط و عمان به یک برادر و جزایر زنگبار و پمبا در شرق آفریقا به برادر دیگر واگذار گردید. ایران می‌تواند از عمان و به خصوص بندر بزرگ صلاله

به عنوان پلی جهت دسترسی آسان به این مناطق استفاده نماید که بازاری بکر برای محصولات ایرانی خواهد بود.

۴-۵. دسترسی ارتباطی بسیار مناسب بندر چابهار با بازار آسیای مرکزی

عمان نیز می‌تواند از ظرفیت بسیار مناسب بندر چابهار به عنوان نقطه اتصال به بازارهای آسیای مرکزی استفاده نماید و محصولات خود و نیز محصولات صادرات نوع دوم خود را از این طریق به بازارهای آسیای مرکزی که بهترین دسترسی را از طریق ایران و سواحل چابهار دارند، به دست مشتریان خود برساند. این وابستگی متقابل اقتصادی حلقه‌ای از ارتباطات تجاری از شرق آفریقا و یمن تا عمان و ایران و آسیای مرکزی را شامل خواهد گردید و عاملی برای توسعه پایدار دو کشور خواهد بود.

۵-۵. موقعیت ویژه عمان و ایران در صنایع شیلات

عمان و ایران دارای شرایط منحصر به فردی در صنایع شیلات هستند که جالب توجه اینجاست که گسترش صنایع شیلات در دو کشور با غفلت روبرو شده است. ایران علاوه بر توانش بالای تولید ماهی‌های دریاچه‌ای در شمال کشور در جنوب نیز همچون عمان می‌تواند از موقعیت خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند جهت ماهیگیری استفاده نماید. عمان در سال ۲۰۱۵ مبلغی بالغ بر ۱۱۰ میلیون دلار از بانک جهانی جهت تقویت ناوگان ماهیگیری و نوسازی اسکله‌های ماهیگیری خود وام دریافت کرده است. همکاری دو کشور در این زمینه نیز می‌تواند باعث تشکیل یک کارتل صنعت ماهی قدرتمند در سطح منطقه‌ای و جهانی شود و زمینه اشتغال بزرگی برای هر دو کشور به خصوص بخش جنوبی ایران فراهم نماید و به صنعتی شدن این منطقه کمک شایانی نماید.

۶. نیازهای اساسی عمان به ایران

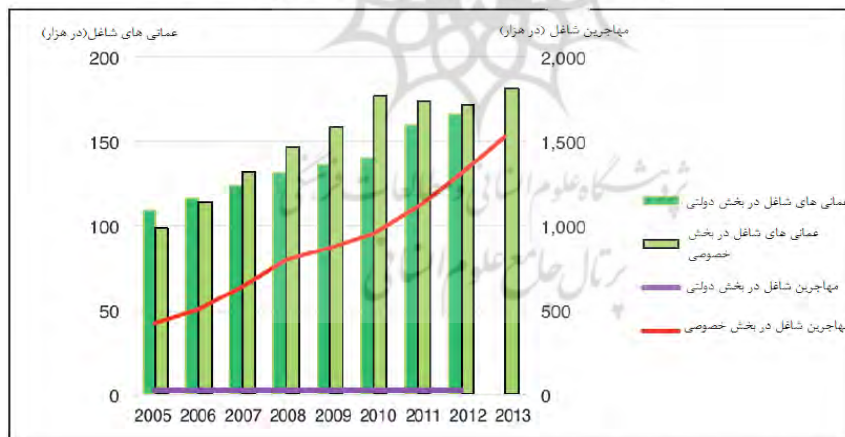
۱-۶. نیاز روزافزون عمان به تقویت بنیه صنعتی و تجاری

عمان علی‌رغم کشورهای حوزه خلیج فارس، دارای منابع محدود نفت و گاز است و توان خدمت‌رسانی رانتهی زیادی همچون هم‌تایانش در جنوب خلیج فارس را دارا نیست.

سبک زندگی راحت طلب این منطقه و تقلید از جوانان کشورهای همسایه باعث شده این کشور در تامین نیازهای خود دچار مشکل‌هایی شود و تنها راه پیش رو نیز تقویت بنیه تجاری و صنعتی این کشور است. نمودارهای آماری نیز نشان‌دهنده افزایش چشم‌گیر نیروی کار داخلی و خارجی این کشور است. این نیروهای آماده کار همگی به دنبال توسعه کسب و کار خود و افزایش سطح درآمد خود هستند و به همین جهت برنامه‌ریزی‌های تجاری مناسب جهت استفاده بهینه از این نیروی کار لازمه داشتن روابط مناسب اقتصادی با کشورهای قدرتمند تجاری و اقتصادی همسایه است که در این بین ایران یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای عمان جهت افزایش سطح همکاری‌ها است.

این نمودار به طور کلی نشان‌دهنده افزایش میزان تعداد نیروهای وارد شده به کار است که فراهم نمودن بسترهای لازم جهت گسترش فعالیت این گروه‌ها و آماده‌سازی فضای مناسب کسب و کار برای این گروه‌ها تبدیل به دغدغه‌ای مهم برای دولت عمان گردیده است. از این‌رو دغدغه کارآفرینی و نیز جذب سرمایه خارجی و افزایش توان خدماتی و نیز تولیدی برای عمان در اولویت اول قرار خواهد داشت، تا پیش از همه بتواند

وضعیت بخشی استخدامی عمانی‌ها و مهاجران (دولتی و خصوصی) (۲۰۰۵-۲۰۱۲)



منبع: راهنمای مدیریت منابع انسانی بانک مرکزی سلطنت عمان

نیازهای داخلی روبه فزونی کار برای این کشور را رفع نماید و سپس بتواند توان رقابتی خود به نسبت دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز حفظ نماید. همچنین تعداد مهاجرین دیگر کشورها در عمان نیز تعداد چشم‌گیری است که در

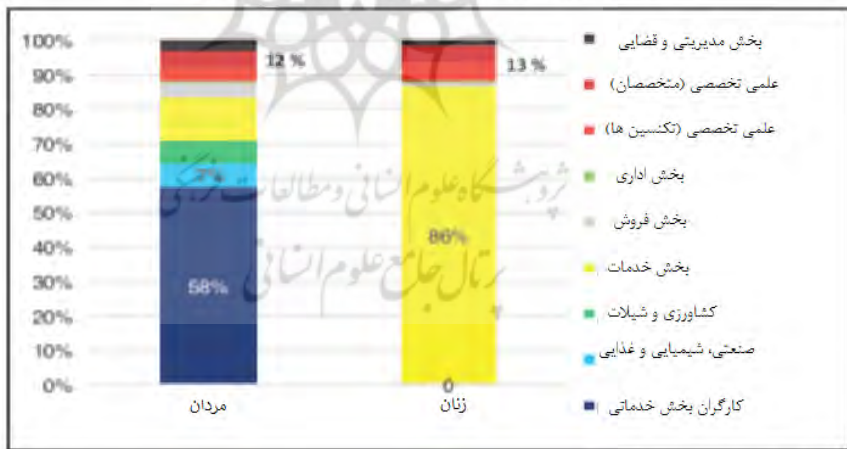
حوزه‌های مختلفی به فعالیت می‌پردازند و عمده این نیروها به کارهای خدماتی و اداری در این کشور مشغول هستند که معمولاً جزء بخش‌های هزینه‌زا برای دولت و بخش خصوصی محسوب می‌شوند و دولت عمان به دنبال استفاده از این نیروها در بخش‌های تولیدی و تجاری است، تا از این طریق بتواند مهاجرپذیری درآمدزایی را داشته باشد.

این نمودار به وضوح چنین شرایطی را نشان می‌دهد. به خصوص در بخش بانوان که بالغ بر ۸۶ درصد در بخش خدمات حضور دارند و ۵۸ درصد مردان در بخش پست‌های مدیریتی حضور دارند.

۲-۶. موازنه‌سازی در شبه‌جزیره

عمان مسائل و مشکلات عدیده‌ای را با همسایگان خود در شبه‌جزیره عربستان داراست. از انواع و اقسام مطامع ارضی نسبت به این کشور تا اختلافات عمیق دینی و ایدئولوژیک را می‌توان در شرح این اختلافات برشمرد. امارات عربی متحده نسبت به بخش‌هایی از این کشور از جمله راس‌المسندم مطامعی دارد و هنوز هیچ مرز زمینی و

غیر عمانی‌های مشغول به کار به لحاظ نوع شغل و جنسیت (بخش خصوصی و دولتی، ۲۰۱۲)



NCSI: بولتن آماری ماهانه مارس ۲۰۱۲

دریایی میان دو کشور ثبت نشده است. عربستان سعودی نیز از دهه ۱۹۵۰ همیشه در تقویت مخالفان عمان نقش اساسی داشته است و به بخش‌هایی از این کشور، به خصوص بخش عمانی واحه بوریمی و نیز استان ظفار چشم طمع داشته است و به هیچ عنوان

شریک قابل اعتمادی برای عمان محسوب نمی‌گردد. از این رو، پس از روی کار آمدن سلطان قابوس، همیشه ایران به عنوان شریکی بدون هیچ‌گونه اختلافی میان دو کشور قلمداد شده است و هر دو کشور مصمم به ادامه این روابط هستند.

۳-۶. نیاز عمان به تامین پایدار انرژی از ایران

عمان منابع نفت و گاز محدودی در خلیج فارس داراست و در این زمینه دچار ضعف‌های فراوانی است. به همین خاطر جهت جبران نیازمندی‌های انرژی خود به همسایگانش نیازمند است. عمان در حال حاضر، بخشی از نیاز گاز خود را از طریق خط لوله‌ای که از قطر آغاز و با عبور از امارات عربی متحده به این کشور می‌رسد، تامین می‌کند. مسائل و اختلافات سیاسی و مرزی دو کشور عمان و امارات عربی متحده، باعث شده است تا عمان این خط لوله را محل امنی جهت تامین نیازهای بلندمدت خود نداند و امارات عربی متحده می‌تواند از این طریق به اعمال فشار به عمان بپردازد. عمان به دنبال حل این مشکل تنها از یک طریق می‌تواند اقدام نماید و آن منابع عظیم گازی ایران در شمال این کشور است. بین ایران و عمان قراردادی در این زمینه بسته شده که با پیگیری آن نه تنها بخشی از نیاز عمان به انرژی رفع می‌شود، بلکه جای پای ایران در زمینه انرژی عمان در دیگر حوزه‌ها همچون حوزه نیروگاهی نیز که ایران در آن تخصص بالایی دارد باز می‌شود. نزدیکی عمان به پروژه‌های گازی ایران در سهولت این امر بسیار تاثیرگذار خواهد بود. همچنین، عمان در میدان نفتی هنگام نیز سرمایه‌گذاری مشترک نفتی با جمهوری اسلامی ایران را پیگیری می‌نماید. این در حالی است که بر اساس افراز فلات قاره دو کشور ۸۰ درصد این حوزه به ایران و ۲۰ درصد آن به عمان تعلق گرفت. میدان مشترک هنگام در سال ۱۹۷۵ با حفر یک حلقه چاه در خلیج فارس کشف شد. در سال ۲۰۰۶ دومین چاه حفر شد و مشخص شد که میزان نفت در جای این میدان، ۷۰۰ میلیون بشکه و گاز در جای آن ۲ تریلیون فوت مکعب است. عمان بهره‌برداری از این میدان را از سال ۲۰۰۸ آغاز کرده است. عمان تا کنون میلیون‌ها بشکه از این میدان برداشت کرده است. در حالی که ایران هنوز یک بشکه نفت هم از این میدان برداشت نداشته است (جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۴: ۴۳).

اما در حوزه گازی، چهارم شهریور ماه سال ۱۳۹۲ در حاشیه سفر سلطان قابوس

به ایران، محمد بن حمد الرمحي، وزير نفت و گاز عمان و بيژن نامدار زنگنه وزير نفت ايران در مجموعه سعدآباد در زمينه صادرات گاز، يك يادداشت تفاهم جديد امضاء كردند. براساس اين يادداشت تفاهم، دو طرف توافق كردند كه در مدت بسيار كوتاهي عمليات احداث خط لوله گاز ايران به عمان آغاز شود. صادرات گاز ايران به عمان براي ۲۵ سال برنامه ريزي شده و ارزش گاز صادراتي در اين مدت با توجه به قيمت هاي روز، ۶ ميليارد دلار تخمين زده مي شود. خط لوله مذكور به طول ۳۵۰ كيلومتر بين دو كشور خواهد بود كه ۲۰۰ كيلومتر آن از زير دريا و ۱۵۰ كيلومتر آن در خشكي احداث خواهد شد. مطابق اين قرارداد مقرر شده است كه سالانه ۱۰ ميليارد متر مكعب گاز از طريق رودان هرمزگان به منطقه صحار در عمان منتقل شود.

نتيجه

سطح روابط اقتصادي ايران و عمان، علي رغم توانمندی هاي دوطرف جهت گسترش روابط اقتصادي در همه ابعاد اعم از جغرافيايي، سياسي و توسعه محوري در وضعيت مطلوبي قرار ندارد و اين روابط به جهت اثرگذاري آن در روندهای سياست خاجی مشترک دو کشور، طبق نظريه نوکارکردگرايي بايد گسترش يابد. پتانسيل ها و ظرفيت هاي بسيار خوبي هم در حوزه سياسي و هم اقتصادي جهت گسترش روابط وجود دارد و ايجاد روابط اقتصادي هدفمند مي تواند در شرايط سياسي دو کشور و نیز شرايط منطقه ای نیز تاثيرگذار باشد. روابط اقتصادي جمهوری اسلامي ايران و سلطنت عمان مي تواند ترسيم کننده چشم اندازي روشن براي توسعه سواحل مکران نیز قرار گيرد كه در اسناد بالادستي جمهوری اسلامي ايران به خصوص برنامه ششم توسعه جايگاه بسيار مهمي دارد. در پايان مي توان مدلی جهت چشم انداز تسري اقتصاد به سياست خارجي و امنيتي دو کشور ارائه نمود. اين مدل از همكاري هاي دوجانبه اقتصادي به خصوص بازرگاني و سرمايه گذاري آغاز مي شود و سپس در ادامه مي تواند منجر به تقويت بنیان های مالي و بانكي دو کشور شود. در ادامه مي توان با انعقاد قراردادهای اقتصادي استراتژيك در حوزه های مختلف صنعتي و معدني مورد نیاز دو طرف، روابط دو کشور را به سطح بالاتري برد.

اين موضوع در بلندمدت، امنيت دو کشور به خصوص امنيت اقتصادي را به يكدیگر مرتبط خواهد ساخت كه در مجموع به اتخاذ رويكردهای مشابه سياسي و امنيتي در

منطقه منجر خواهد شد. پیگیری برنامه‌های اقتصادی و سیاسی مشترک نیز منجر به تقویت همکاری‌های خوب امنیتی دو کشور خواهد شد که در نهایت پیگیری هدفمند سیاست خارجی و امنیتی موازی و یا مشترک در امور منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت. وارد نمودن کشور عمان به روند توسعه بخش جنوبی کشور، می‌تواند علاوه بر تسریع روند ساخت‌وساز در این منطقه، باعث ایجاد الگویی مناسب در جهت همکاری‌های دوجانبه شود و همچنین فضای رقابتی که ممکن است با توسعه این منطقه ایجاد شود، باعث ایجاد فضای همکاری و تلاش جهت پیش‌برد اهداف مشترک شود. به همین جهت باید اشاره کرد که پتانسیل‌های لازم برای توسعه همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور وجود دارد و این فرصت مناسب بر پایه روابط تاریخی مثبت میان دو کشور می‌تواند نه تنها باعث تحول در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان گردد، بلکه می‌تواند بر روندهای امنیتی و سیاسی منطقه‌ای نیز در جهت افزایش همگرایی تأثیرگذار باشد. *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

منابع فارسی

اسدی، بیژن. (۱۳۸۴). **خلیج فارس و مسائل آن**. تهران: انتشارات سمت.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۴). **ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس**. تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۹۴). «افراز مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر میادین مشترک نفت و

گاز»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره چهارم شماره دوم، صص ۶۶-۳۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا و حسین ربیعی. (۱۳۹۲). **مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس**. تهران: انتشارات سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۳). «سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا از منظر نوکارکردگرایی»،

پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۲، صص ۱۴۳-۱۶۵.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای**

مرکزی، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۹-۱۱۶.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. تهران: انتشارات سمت.

مینایی، مهدی. (۱۳۸۴). «بررسی جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در تامین

و ارتقاء امنیت ملی»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، دوره دوم، شماره دوم، صص ۱۳-۲۳

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). **سواحل مکران و توسعه پایدار**. تهران: عقیدتی

سیاسی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

منابع انگلیسی

Guzansky, Y. (2015). the foreign policy tools of small powers: strategic hedging in the Persian Gulf, *Middle East Policy Council*, XXII (1).

Buck S. W. (2012). Oman, Culture and Diplomacy, *Middle East Policy Council*, XIX (2).

Cafierio. G, Y. A. (2016). Oman and the GCC: A Solid Relationship? *Middle East Policy Council*, XXIII (3).

Lefebvre. A. (2010). Oman's Foreign Policy in the Twenty-First Century, *Middle East Policy Council*, XVII (1).

Schmierer. J. (2015). The Sultanate of Oman and the Iran Nuclear Deal, *Middle East Policy Council*, XXII (4).

Kinnimont, J. (2015). Iran and the GCC Unnecessary Insecurity. Available at: www.chathamhouse.org.

De Bel Air, F. (2015). Demography, Migration, and the Labor Market in Oman, *Gulf research center*.

Haas, B. E. (1961). *International integration: the European and universal Process*. MIT Press.

Katzman, K. (2013). Oman: Reform, Security, and U.S. Policy, *Congressional Research Service*.

Sweet, A. S and W. Sandholtz. (1997). *European Integration and Supranational Governance*. Yale Law School.

Iran Oman sign deal to finalize gas pipeline project, retrieved 31 august, 2015 from Tasnim news, <http://www.tasnimnews.com/en/news/2015/08/31/iran-oman-sign-deal-to-finalize-gas-pipeline-project>.